

طرح تدوین مورّخان امپراتوری عثمانی

(در دانشگاه هاروارد)

نصرالله صالحی*

اشاره: نگارنده چندی پیش، در حین جستجو در سایت‌های مربوط به تاریخ عثمانی در اینترنت، به طور کاملاً تصادفی به سایت بسیار مهم و ارزشمندی به نام «مورّخان امپراتوری عثمانی^۱» برخورد. از آنجا که پیش از این، کتابی با عنوان تاریخ عثمان پاشارا از ترکی عثمانی ترجمه کرده و نویسنده آن را به تصریح مصحح کتاب (یونس زیرک)، «گمنام» دانسته بود، هیچگاه تصوّر نمی‌کرد که روزی نام نویسنده این اثر معلوم شود. اما خوشبختانه با یافتن این سایت، نه تنها نام نویسنده که شرح احوال او نیز به خوبی دانسته شد.^۲ به همین سبب با توصیه سردبیر محترم آینه میراث، اقدام به نوشتن معرفی کوتاهی از این سایت نمودم تا شاید مورد استفاده خوانندگان فصلنامه قرار گیرد.

الف: حکایت آغاز یک طرح بزرگ

بنا به اطلاعات موجود در سایت «مورّخان امپراتوری عثمانی» دکتر خاقان کاراتکه در سال ۱۹۹۸ م بعد از ارائه کنفرانسی در دانشگاه آزاد برلین در آلمان اقدام به طرح پیشنهاد تهیه و تدوین یک اثر جامع و کامل درباره مؤلفان عثمانی پرداخت. اگر چه این طرح سپس به مورّخان عثمانی محدود شد، ولی با این حال، طرح این پروژه نتوانست حمایت مالی هیچ یک از مؤسسات آلمانی را برای انجام این کار جلب کند. بنابراین، طرح این پیشنهاد در آلمان به نتیجه نرسید.

*. دکترای تاریخ ایران.

دکتر کاراتکه بعد از استخدام در دانشگاه هاروارد، طرح مزبور را با پرفسور جمال کافادار، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد و استاد رشته تاریخ دانشگاه مزبور در میان گذاشت. پرفسور کافادار از این پیشنهاد به گرمی استقبال و برای همکاری اعلان آمادگی کرد. پرفسور کورنل فلیشر از دانشگاه شیکاگو نیز به حمایت از پروژه مزبور پرداخت و برای عضویت در هیأت علمی اعلان آمادگی نمود. در سال ۲۰۰۳ م شورای علمی بین المللی مرکب از پانزده نفر از محققان برجسته در زمینه فوق تشکیل و در ژوئن ۲۰۰۳ م مؤسسه علوم انسانی پیکارد (Packard humanities Institute) حمایت مالی لازم را برای شروع این پروژه پذیرفت. بدین ترتیب، زمینه کار در عمل فراهم شد. ترکیب علمی و اجرایی این طرح از این قرار است: هیأت ویراستاری: ۳ نفر. هیأت مشاوران: ۱۵ نفر از کشورها و دانشگاه‌های مختلف. ۴ دستیاران پژوهشی: ۷ نفر از دانشجویان مقطع دکترای دانشگاه هاروارد.

ب: چه ضرورتی در اصلاح و تکمیل اثر بایبنگر وجود داشت؟

هیأت ویراستاری اساس کار خود را بر اصلاح و تکمیل کتاب فرائز بایبنگر که خود او در تألیف و تدوین اثرش، کار ارزشمند بورسالی محمد طاهر^۵ را الگو قرار داده بود، گذاشته و در توضیح علت این امر، چنین اظهار داشته‌اند: اثر معروف بایبنگر تحت عنوان مورخان عثمانی و آثار آنها^۶ که در سال ۱۹۲۷ م انتشار یافته با وجود گذشت بیش از هفتاد سال از تألیف آن، هرچند در زمینه تاریخنگاران عثمانی اثری است مهم و مرجع، ولی با این حال دارای نواقص و کاستی‌های زیادی است که امروزه دیگر چندان پاسخگوی محققان نیست. آنها ضمن تمجید و ستایش از کار بایبنگر به برخی از ضعف‌های آن اشاره داشته‌اند. از جمله اینکه او در هنگام تدوین اثر خود نتوانسته بود از کتابخانه‌های استانبول که دارای نسخه‌های خطی بسیاری هستند، به قدر کافی بهره ببرد. اگرچه او از فهرست‌های نسخ خطی استفاده کرده، اما مجال دیدن خود نسخه‌ها را نداشته است.

هیأت ویراستاری برای اثبات ضرورت اصلاح و تکمیل کار بایبنگر، اقدام فؤاد سزگین را ملاک عمل خود قرار داده‌اند. چرا که به اعتقاد او، کارل بروکلمان، در تألیف و تدوین تاریخ ادبیات عرب از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های استانبول به قدر کافی بهره نبرده بود. از این رو سزگین برای جبران نقاط ضعف کار بروکلمان و با نیت

تکمیل و روز آمد کردن اثر او، دست به کار شد و در نهایت یک اثر کتابشناختی مهم و ممتاز پدید آورد. هیأت ویراستاری معتقد است که کاستی‌های کار باینگر به مراتب بیش از کار برو کلمان است، چرا که وی سال‌ها پیش از برو کلمان اقدام به تألیف و انتشار اثر خود کرده و لذا کمتر از او به نسخه‌های خطی دسترسی داشته است. گذشته از این، چند نقطه ضعف دیگر در کار باینگر وجود دارد. از جمله در روش انتخاب مورخان است. با اینکه هدف او تدوین اثری درباره مورخان و آثار آنها بوده است، با این همه در اثر خودگاه به جغرافی نویسان، تذکره نویسان و بعضی دیگر از نویسندگانی که آثارشان فاقد آگاهی‌های تاریخی به معنی درست کلمه است، نیز پرداخته است. از این رو کار او تا حدی از قلمرو مورخان گذشته و شماری از دیگر مؤلفان عثمانی را نیز شامل شده است.

از دید هیأت ویراستاری، البته در تدوین یک اثر مرجع درباره کلیه مورخان امپراتوری عثمانی آن هم توسط یک فرد، طبیعی است که خطاها و ضعف‌هایی بروز کرده باشد، اما این امر هیچگاه از ارزش‌های کار باینگر نمی‌کاهد. پس آنچه که امروز مهم است، این است که محققان عثمانی‌شناس با مشارکت در یک کار جمعی اقدام به تألیف یک اثر جامع، روزآمد و ماندگار بکنند. این آن چیزی است که هیأت ویراستاری در دستور کار خود قرار داده و از کلیه کسانی که توانایی علمی لازم برای مشارکت در تدوین مدخل‌های تعیین شده را دارند، برای همکاری دعوت کرده است.

ج: روش و قلمرو کار

یک مسئله مهم روش شناختی که هیأت ویراستاری از ابتدا با آن مواجه بوده، معیار و مبنای گزینش مورخان برای پرداختن به زندگی و آثار آنها بوده است. این کار به ویژه در عصر حاضر که دانش تاریخ نگاری تحوّل و تکامل یافته، کار را بسیار سخت و پیچیده کرده است. برای اثبات این مسأله کافی است به دیدگاه‌های مطرح در مکتب تاریخ نگاری آنال توجه کنیم.

بانیان این مکتب در دهه بیست میلادی معتقد بودند که هیچ حدّ و مرزی برای تعیین مواد و منابع مورد استفاده مورخان نمی‌توان تصوّر کرد. این به معنای آن است که منابع تاریخ نگاری تنها آن دسته از آثار تاریخی که در گذشته توسط مورخان به رشته تحریر درآمده است، نیست، بلکه قلمرو منابع بسیار وسیع و غیر قابل تصوّر است. با وجود

چنین دیدگاهی، هیأت ویراستاری برای تعیین روش انتخاب مورخان بحث و گفتگوهای بسیار به عمل آورد و در نهایت به این نتیجه رسید که اگر چه می‌توان شماری از نویسندگان و آثار آنها را در کنار کار مورخان آورد و اتفاقاً برای تدوین یک اثر کامل و جامع چنین کاری الزام‌آور نیز هست، ولی با این حال اگر بنای کار بر اتخاذ چنین روشی استوار گردد، در عمل، کار چنان ابعاد گسترده‌ای خواهد یافت که یا ادامه آن ناممکن است و یا اداره آن دشوار خواهد بود. بنابراین، اساس کار بر این قرار گرفت که به کلیه نویسندگان قلمرو عثمانی که آثار روایی (narrative works) آنها دقیقاً حاوی مضمون و محتوای تاریخی (historical content) است، پرداخته شود. در این چارچوب، علاوه بر مورخان به معنی مصطلح کلمه، نویسندگان تذکره‌های ادبی و غیره، جغرافی نویسان، نویسندگان آثار نظامی (غزوات نامه‌ها، فتح نامه‌ها) و غیره نیز جای می‌گیرد. البته تصمیم بر این است که مقاله‌هایی نیز نوشته شود. برای مثال، درباره نویسندگان «تذکره شعراء» و نه افرادی که در این تذکره‌ها از آنها سخن رفته است.

در اینجا اشاره به زبان نوشتاری مؤلفان عثمانی نیز مهم است، چرا که پاره‌ای از محققان گذشته، در تدوین آثار خود با اکتفا به یک زبان خاص، برای مثال، عربی (بروکلمان و سزگین) و فارسی (استوری)، قلمرو کار خود را محدود به یک زبان معین کرده‌اند. این کار در تألیف و تدوین «مورخان امپراتوری عثمانی» معنا ندارد. زیرا آنچه که مبنای کار است نه مرزبندی زبانی، که مرزهای جغرافیایی امپراتوری عثمانی است.^۷ بنابراین، اگرچه سه زبان کلاسیک غرب جهان اسلام (عربی، فارسی، ترکی) به طور گسترده در دوره عثمانی در میان مردم و دربار رواج داشته است، اما با این حال اگر ما بخواهیم تنها این سه زبان را مبنای کار خود قرار دهیم، در واقع در همان تنگنایی که بیشتر به نقد آن پرداختیم خواهیم افتاد.^۸

د: مدخل‌های تألیف شده

چنان که پیشتر نیز گفته شد، این طرح به طور رسمی از پائیز ۲۰۰۳ م شروع شده است. در طول دو سال گذشته، مدخل‌های مربوط به ۱۷ مورخ از سوی محققان مختلف نوشته شده و به دو صورت html و pdf در سایت قرار گرفته است. مشخصات مدخل‌های فوق از این قرار است:

۱. نجدت از تورک: حدیدی (وفات: ۲۴ - ۱۵۲۳ / ۹۳۰، مؤلف اثری منظوم به سبک

شاهنامه به نام تاریخ). راجع به این اثر چند رساله کارشناسی ارشد در ترکیه نوشته شده و اصل اثر نیز توسط نجات اورتورک تصحیح و انتشار یافته است. حدیدی: تواریخ آل عثمان (استانبول، ۱۹۹۱). LVI + 487.

۲. مصطفی ارگون شاه: شُکری (بدلیسی، وفات: ۱۵۳۰ / ۹۳۶، مؤلف اثری منظوم به نام سلیم نامه. در این مدخل، هفت مینیاتور بسیار زیبا که برگرفته از سلیم نامه است، درج شده است). آلفونس لئبولد استیدل در سال ۱۹۳۸ م در دانشگاه وین درباره این اثر، تز دکترای نوشته است. متن اصلی اثر همراه با ترجمه آلمانی آن نیز منتشر شده است. پایان نامه کارشناسی ارشد مصطفی ارگون شاه در دانشگاه مرمره نیز راجع به کتاب شُکری بوده است. وی متن اصلی را تصحیح و با مقدمه و توضیحات بسیار مفصل در قیصریه (۱۹۹۷ م) منتشر کرده است.

۳. خدیجه آینور: محرمی (وفات: ۱۵۳۵ / ۹۴۲، مؤلف شهنامه در ۱۲۲۸۰ بیت و فتحنامه اُنکروس. شهنامه مشتمل بر ۱۲۲۸۰ بیت و سه کتاب است. رساله دکترای خدیجه آینور در دانشگاه استانبول (۱۹۹۳ م) راجع به شهنامه محرمی بوده است. وی هر سه کتاب اثر مزبور را تصحیح و آماده نشر ساخته است.

۴. بنجامین لُلو: عبدالصمد دیار بکری (وفات: ۱۵۴۲ / ۹۴۹، مؤلف ترجمه النزوح السنايه فی ذکر الخلفاء والملوک المصربه و فتوح شام ترجمه سی). بنجامین لُلو دو بخش از اثر نخست را به عنوان پایان نامه دکترای انتخاب و بعد از تصحیح به زبان فرانسه نیز ترجمه کرده است.

۵. مصطفی ارآوجی: ابراهیم رحیمی زاده چاوش (وفات: ۱۵۹۰ / ۹۹۸، مؤلف رساله فتح تبریز و چند رساله دیگر که اغلب مربوط به روابط ایران و عثمانی در عهد صفوی است). رساله فتح تبریز توسط یونس زیرک در قسمت پایانی کتاب تاریخ عثمان پاشا منتشر شده است. این کتاب از سوی نگارنده به فارسی ترجمه شده است.

۶. محمد جان آتار: مصطفی جنابی (وفات: ۱۵۹۰ / ۹۹۹، مؤلف الحافل الواسط والعلم الزاخر المحيط و یا جنابی تاریخی، از دیگر آثار او: فرصتنامه، تاریخ بلاد مغرب و جواهر الغرائب). پایان نامه دکترای محمد جان آتار در دانشگاه آنکارا (۱۹۹۳ م) درباره زندگی و آثار مصطفی جنابی بوده است. پایان نامه کارشناسی ارشد محمد کسبیک در دانشگاه استانبول (۱۹۹۴ م) نیز درباره بخش سلجوقیان کتاب الحافل الواسط بوده است. یکی دو اثر جنابی نیز به فرانسه و آلمانی ترجمه و منتشر شده است.

۷. کریستین وودهد: تعلیقی زاده محمد (الفناری، وفات: ۱۶۰۰ / ۱۰۰۸، چند اثر مهم او که اغلب نیز مربوط به اردوکشی عثمانی به قلمرو ایران است، از این قرار است: روانیه (شرح لشکرکشی عثمانی به گرجستان)، تبریزه یا مرادنامه (شرح لشکرکشی عثمان پاشا به تبریز)، شهنامه یا شمائل‌نامه آل عثمان، شاهنامه همایون، شهنامه سلطان سلاطین جهان). وودهد کتابی با عنوان شهنامه همایون تعلیقی زاده: تاریخ اردوکشی عثمانی به مجارستان - 1593 و 94، تألیف و در برلین (۹۸۳ م) منتشر کرده است. راجع به شهنامه... دو پایان نامه دکترا در ترکیه نوشته شده است. یکی توسط سعادت شانلی در دانشگاه استانبول (۱۹۸۶ م) و دیگری توسط وحید چاپوک در همان دانشگاه و همان سال.

۸. ضیاء یلمازار: عبدالقادر افندی (وفات: ۱۶۴۴ / ۱۰۵۴، مؤلف اثری به نام تاریخ که در شرح وقایع دوران سلطان مراد چهارم (حک. ۱۰۴۹ - ۱۰۳۲) است. قسمت‌های مهمی از این اثر مربوط به سفرهای جنگی سلطان مراد به قفقاز، تبریز و بغداد است. درباره این کتاب تاکنون دو رساله دکترا در اطریش و ترکیه نوشته شده است. یلمازار این اثر را تصحیح و در دو جلد در آنکارا (۲۰۰۳ م) منتشر کرده است.

۹. مصطفی آراوجی: ابوبکر بن عبدالله (وفات: نیمه اول سده ۱۷ / ۱۱، مؤلف تاریخ عثمان پاشا). این اثر به اهتمام یونس زیرک در آنکارا (۲۰۰۱ م) منتشر شده است. ر.ک: شماره ۵.

۱۰. مصطفی تورکمن: حاجی علی (وفات: نیمه دوم سده ۱۷ / ۱۱، مؤلف فتحنامه قامانیچه و بوق الیمانی به زبان عربی که خود او آن را با عنوان تلخیص الیمانی به ترکی ترجمه کرده است).

۱۱. آ. ابراهیم ساواش: نعمان (ابوسهل، وفات: ۱۷۵۵ / ۱۱۶۸، مؤلف اثری به نام تدبیرات پسندیده. بخش سوم این اثر (۱۶۱a - ۸۵a) شرح مشاهدات شخصی مؤلف در سفارت به ایران در سال ۱۱۶۰ / ۱۷۴۷ است).

۱۲. سُنْگول چَلاک: احمدین محمود (وفات ۱۷۵۹ / ۱۱۷۲، مؤلف اثری به نام تاریخ این اثر از اول محرّم ۱۱۲۳ که مصادف با شروع جنگ عثمانی و روس است شروع می‌شود).

۱۳. آ. ابراهیم ساواش: مصطفی خطی (وفات: ۱۷۶۰ / ۱۱۷۳، مؤلف که از محرّم ۱۱۶۱ تا محرّم ۱۱۶۲ (۱۷۴۹ - ۱۷۴۸) به عنوان ایلچی به کشور اطریش عزیمت کرده، شرح سفارت خود را در اثری به نام سفارتنامه وین تنظیم کرده است). تز دکترای ابراهیم

ساواش در دانشگاه وین (۱۹۸۹ م) درباره مصطفی خطی و سفارتنامه او بوده است. تصحیح انتقادی این اثر توسط ساواش در آنکارا (۱۹۹۹ م) منتشر شده است. هامر پور گشتال نیز این اثر را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرده است.

۱۴. فریدون آمه جن: طیلسانی زاده عبدالله (وفات:؟ ۹۵ - ۱۷۹۴ / ۱۲۰۸، مؤلف اثری به نام تاریخ که شرح وقایع سال‌های ۱۱۹۸ تا ۱۲۰۴ است)، آمه جن این اثر را با عنوان تاریخ طیلسانی زاده حافظ عبدالله افندی: چهار سال طولانی، استانبول ۱۷۸۹ - ۱۷۸۵ م» منتشر کرده است.

۱۵. محمدعلی بیگ خان: جایی عمر (وفات:؟ ۱۸۱۴ / ۱۲۲۹، مؤلف جایی تاریخی، تاریخ سلطان سلیم ثالث و محمود ثانی)، این اثر از سوی بیگ خان در آنکارا (۲۰۰۳ م) منتشر شده است.

۱۶. فروما زاجس: میخائیل میاشاقی (وفات: ۱۸۸۸ / ۱۳۰۵، مؤلف چند اثر مهم مربوط به مناطق شامات از جمله الجواب علی اقتراح الاحباب و تاریخ حوادث جرات بالشام و سواحل بر الشام و الجبل)، آثار میخائیل میاشاقی در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ م در قاهره و لبنان به چاپ رسیده است.

۱۷. محمد دمیر یورک: عبدالرحمان شرف (وفات: ۱۹۲۵ / ۱۳۴۴، مؤلف بیش از ده اثر مهم تاریخی از جمله تاریخ دولت عثمانیه، تاریخ مصاحبه لری، تاریخ عثمانی، فذلکه تاریخ دولت عثمانیه، فذلکه تاریخ دولت اسلامی، تاریخ عصر حاضر و تاریخ لظفی در ۸ جلد. کلیه آثار عبدالرحمن شرف منتشر شده است.

از این هفده مدخل، دو مورد به زبان انگلیسی و بقیه به زبان ترکی است. اسامی این مورخان بیش از همه نشان دهنده آن است که بانیان طرح، در کار تدوین مدخل‌ها علاوه بر مورخان مشهور، به مورخان کم شناخته و بعضاً گمنام نیز پرداخته‌اند. برای مثال ابوبکر بن عبدالله که حتی تا بعد از تصحیح و انتشار اثرش تاریخ عثمان پاشا نامش ناشناخته بود، چنانکه مصحح محترم در مقدمه خود بر این کتاب، نویسنده آن را گمنام دانسته است.

پی‌نوشت‌ها

1. Historians of Ottoman Empire . www.ottomanhistorians.com.

۲. مدخل مربوط به این نویسنده و نیز نویسنده دیگری به نام ابراهیم رحیمی زاده چاوش را که مؤلف رساله فتح‌تبریز است.

- ترجمه نموده و به پیوست‌های کتاب تاریخ عثمان پاشا افزودم.
۳. به ترتیب پروفیسور جمال کافادار Gemal Kafadar (مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد)، دکتر خاقان کاراتکه Hakan Karateke (دانشگاه هاروارد) و پروفیسور کروئل فلیشر Cornell Fleischer (دانشگاه شیکاگو).
۴. عبدالرحیم ابوحسین (دانشگاه آمریکایی بیروت در لبنان)، عبدالرحیم بن حذاد (دانشگاه محمد پنجم در رباط مراکش)، البزار بیرونوم (دانشگاه تورنتو، کانادا)، فریدون آمه جن (دانشگاه استانبول، ترکیه)، اسماعیل ارونسالی (دانشگاه مرمره، استانبول)، نیلی حنا (دانشگاه آمریکایی قاهره)، محمد ایشیرلی (دانشگاه فاتح، استانبول)، کلوس کریسر (دانشگاه بامبرگ، آلمان)، مارکوس کوهباخ (دانشگاه وین، اتریش)، نهاد موجانبین (دانشگاه زاگرب، کرواسی)، رودوس مورفی (دانشگاه بیرمنگام، انگلستان)، عبدالقادر اوزجان (دانشگاه سنان میمار، استانبول)، گیلس وینستین (کالج دو فرانس، پاریس)، میخائیل وینتر (دانشگاه تل آویو، اسرائیل)، الیزابت زاجاریادو (دانشگاه کرت، یونان).
۵. بورسالی محمد طاهر، عثمانلی مؤلفری، مطبعه عامره، استانبول ۱۳۴۲ هجری. این اثر سه جلدی که نخست به خط عربی انتشار یافته، بعدها بارها به خط لاتین در ترکیه منتشر شده است.
6. Franz Babinger, *Die Geschichtsschreiber der Osmanen und ihre Werke* (Leipzig, 1927)
- کتاب بابینگر در سال ۱۹۸۲ م توسط دکتر جوشکون اوچک با عنوان *Osmanlı Tarih Yazarlari Ve Eserleri* به ترکی ترجمه شده و تاکنون چندین بار انتشار یافته است.
۷. هیأت ویراستاری در جای دیگر، محدوده زمانی را از آغاز تشکیل امپراتوری عثمانی تا سال ۱۹۲۳ م دانسته و درباره قلمرو جغرافیایی بر متفاوت بودن آن در ادوار زمانی مختلف تأکید کرده‌اند. برای مثال، قاهره را از ۱۵۱۷ م به بعد و آتن را تا سال ۱۸۳۰ م و استانبول را تا سال ۱۹۲۳ م به عنوان محدوده جغرافیایی منطقی برای پرداختن به مورخان امپراتوری عثمانی بیان کرده‌اند. هیأت ویراستاری باز در جای دیگر در توضیح محدوده دقیق زمانی طرح نوشته‌اند که اگر مورخی برای مثال نظیر فؤاد کوپرولو که هم در اواخر عثمانی و هم در دوره جمهورییت زیسته، برای بررسی انتخاب شود، تنها آن دسته از آثار او که در زمان عثمانی منتشر شده، مانند نخستین متصوفان در ادبیات ترک که در سال ۱۹۱۸ م به چاپ رسیده، مبنای کار خواهد بود و نه اثر دیگر او تحت عنوان خاستگاه امپراتوری عثمانی که در سال ۱۹۳۵ م منتشر شده است.
۸. منظور زبان‌های متعددی است که در قلمرو وسیع امپراتوری رایج و در طول زمان به آن زبانها آثار زیادی نوشته شده است، مانند ارمنی، یونانی، رومی، صربی، کروات و غیره.